

با نام و یاد خدا

کتاب

تحلیل فرهنگی

کلاس دوازدهم

تهیه شده توسط وبسایت [بتافایل](#)



فصل اول- درس ۱: چیستی فرهنگ

تعریف فرهنگ

ما بارها، واژه «فرهنگ» را شنیده و آن را به کار برده‌ایم. فرهنگ خانواده، فرهنگ آپارتمان‌نشینی، فرهنگ روستایی، فرهنگ ایرانی، فرهنگ اروپایی؛ جهان فرهنگی، انقلاب فرهنگی، مهندسی فرهنگی، تحولات فرهنگی و...؛ این واژه‌ها، از جمله واژگانی است که از طریق کتاب‌های درسی، رسانه‌ها و گفتگوهای روزانه با آن‌ها آشنا شده‌ایم.

به راستی معنای «فرهنگ» چیست و شما چه تصویری از مفهوم فرهنگ و مصادیق آن دارید؟

معنا و ریشه لغوی فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب است که از دو جزء «فر» و «هنگ» تشکیل شده است.

«فر» پیشوندی است که در معنای جلو، بالا و پیش، به کار می‌رود و «هنگ» به معنی کشیدن، سنگینی و وزن می‌باشد و فرهنگ به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، هنر، آداب و رسوم است.

تعریف اصطلاحی فرهنگ

برای «فرهنگ»، تعاریف متعدد و مختلف بیان شده و مصادیق گوناگون و متنوع درباره آن ذکر کرده‌اند.

ادیبان، فیلسوفان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و انسان‌شناسان هریک، به گونه‌ای خاص «فرهنگ» را تعریف کرده و به آن نگریسته‌اند.

برخی از این تعاریف عبارت‌اند از:

- فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، آداب و رسوم است که هر فرد از جامعه خویش فرا می‌گیرد.
- فرهنگ حیات معنوی انسان‌ها و شامل علوم و فنون و فلسفه و قانون‌گذاری و ادبیات و هنر است.
- فرهنگ، نظام‌واره‌ای از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، نمادها و مصنوعات است که ادراکات، رفتارها و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.

ریموند ویلیامز (۱۹۲۱-۱۹۸۸) منتقد فرهنگی و از پیشگامان اصلی «مطالعات فرهنگی» با بررسی تعاریف مختلف؛ و مطالعه تحولات تاریخی «مفهوم فرهنگ»، تعاریف فرهنگ را در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند:

- ۱- تعاریفی که به رشد فکری، روحی و زیبایی شناختی فرد، گروه یا جامعه اشاره دارد.
- ۲- تعاریفی که دربرگیرنده‌ی تعدادی از فعالیت‌های ذهنی و هنری مردم و محصولات آن‌ها در جامعه است؛ مثل فیلم، تئاتر، داستان، معماری و غیره.
- ۳- تعاریفی که به کل راه و رسم زندگی، کنش‌ها، باورها و آداب و رسوم تعدادی از مردم یک گروه یا یک جامعه اشاره دارد.

نکته قابل تأمل در علت تفاوت و تعدد تعاریف فرهنگ، تفاوت مبانی فکری و فلسفی صاحب‌نظران و مکاتب مختلف در زمینه‌های گوناگون، از جمله درباره انسان، می‌باشد و به همین دلیل «مسئله فرهنگ» به صورت یک مشکل و چالش، در برابر صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار دارد.

بررسی و گفتگو کنید (صفحه ۱۳ کتاب درسی)

به نظر شما حکیم ابوالقاسم فردوسی، در ابیات زیر، چه اهمیت و نقشی را برای فرهنگ در نظر دارد؟

ز دانا بپرسید پس دادگر
که فرهنگ بهتر بود یا گهر
چنین داد پاسخ بدو رهنمون
که فرهنگ باشد ز گوهر فزون
که فرهنگ آرایش جان بود
سخن گفتن از گوهر آسان بود
گهر بی‌هنر زار و خوار است و سست
به فرهنگ باشد روان، تندرست

ویژگی‌های فرهنگ

به نظر شما فرهنگ چه ویژگی‌ها و خصوصیتی دارد؟

با دقت در تعاریف مختلف، برخی از ویژگی‌های مشترک که برای فرهنگ بیان شده، عبارت‌اند از:

۱- **معنابخشی و ارزش آفرینی:** فرهنگ، بیانگر معنا و مفهوم، ارزش‌ها و آگاهی‌ها، روش‌ها و سبک زندگی انسان‌هاست. فرهنگ، همانند روح در کالبد پدیده‌ها و عناصر جهان فرهنگی، جاری است و به آنها معنا و جهت می‌دهد. روح سرزنده و متعالی، نشاط و شادابی را در بدن ایجاد می‌کند.

۲- **زمان‌مندی و مکان‌مندی:** فرهنگ، پدیده‌ای «زمان‌مند و مکان‌مند» است و سبک و روش زندگی مردم هر جامعه، در هر زمان و هر مکان، با شیوه زندگی مردمان دیگر در مکان‌ها و زمان‌های دیگر، شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجه دارد. بنابراین فرهنگ هر ملت، خاص خود آن‌هاست.

۳- **میراث جمعی بودن:** فرهنگ، «میراث اجتماعی» است که توسط افراد یک گروه یا جامعه و کنش‌ها و تعاملات آن‌ها با هم به وجود می‌آید و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.



۴- **تاریخی بودن:** فرهنگ، پدیده‌ای «تاریخی» است که از انباشت تدریجی تجربه‌های افراد یک گروه در طول زمان، شکل گرفته است. فرهنگ هر جامعه، ریشه در تاریخ آن جامعه دارد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. بنابراین کنش‌های موردی و زودگذر، کنش‌های فرهنگی نیست.

۵- **اکتسابی بودن:** فرهنگ، پدیده‌ای «آموختنی و اکتسابی» است که در طول زندگی، از بدو تولد تا پایان عمر، از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی آموزشی و تربیتی از منابع بشری و وحیانی توسط افراد کسب می‌شود. در

عصر حاضر، علاوه بر نهادهای مذکور، رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی نیز، در تولید و انتقال فرهنگ، نقش اساسی ایفا می‌کنند.

۶- تحول‌پذیر بودن: فرهنگ، امری «تحول‌پذیر» است و همانند هر موجود زنده و به‌عنوان یک پدیده انسانی، دچار تغییر و تحول می‌شود. بدین دلیل، فرهنگ، رشد و تعالی، فراز و فرود دارد و پویایی و زوال در حوزه فرهنگ و جهان فرهنگی اتفاق می‌افتد.

۷- نظام‌بند بودن: فرهنگ، یک کل به هم پیوسته و منسجم است و عناصر و اجزای آن برهم تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند.

بررسی و تحلیل کنید (صفحه ۱۴ کتاب درسی)

تصویر زیر، یک پدیده فرهنگی است که در برخی از مناطق کشور ما تولید می‌شود. به نظر شما کدام یک از ویژگی‌های فرهنگ در این محصول، وجود دارد؟



ابعاد و وجوه فرهنگ

فرهنگ دارای چه ابعادی است؟ چگونه می‌توان آن‌ها را از هم تشخیص داده و طبقه‌بندی کرد؟

دانستیم که فرهنگ، به‌عنوان روح جمعی زندگی انسان، عاملی است که به تمام پدیده‌های انسانی، معنا می‌بخشد؛ لذا وسعت و قلمرو فرهنگ، به وسعت حیات اجتماعی انسان و جهان‌های اجتماعی اوست و تمام ذخائر و میراث اندیشه و کنش انسان از آغاز تا امروز را شامل می‌شود. انسان شمول بودن فرهنگ، باعث ایجاد خصوصیات مشترک میان جهان‌های اجتماعی و جهان‌های فرهنگی شده است.

با توجه به گستردگی مفهوم فرهنگ، می‌توان هر جهان فرهنگی را، به دو فرهنگ محسوس و فرهنگ غیرمحسوس تقسیم کرد.

۱- فرهنگ محسوس، به مجموعه پدیده‌های عینی و ملموس گفته می‌شود. این بُعد از فرهنگ، شامل اشیای قابل حس، وسایل و ابزارهایی است که از زمان گذشته تا حال، به ما ارث رسیده است. مانند آثار باستانی، صنایع دستی، ابزار کار، وسایل کشاورزی، لباس، لوازم خانه، داروهای شیمیایی، وسایل تولیدی، ساختمان و دست‌ساخته‌های دیگر انسان. به عبارت دیگر، فرهنگ محسوس، شامل همه دستاوردهای مادی و فناورانه زندگی بشر است که در جامعه وجود دارد.

۲- فرهنگ غیرمحسوس، ابعاد کیفی و ناملموس زندگی انسان را شامل می‌شود مانند: اعتقادات، اخلاقیات، باورها، ارزش آثار فکری، ادبی و هنری، فنون، آداب و فولکلور (قصه‌ها، مثل‌ها، داستان‌ها و...). این بخش از فرهنگ، بیشتر به وسیله زبان و خط فراگرفته می‌شوند.

«فرهنگ دارای دو بعد یا دو وجه است: این دو بعد، در یک کلیت منسجم به هم مرتبط هستند و در تحلیل نهایی، باید تأثیرات متقابل آن‌ها را در بستر کلی هر جامعه معین، مورد بررسی و توجه قرار داد.»

فرهنگ محسوس و غیرمحسوس به هم پیوسته‌اند. این پیوستگی و پیوند، هر چند در ظاهر مشخص نیست، اما با دقت و شناخت علمی، ارتباط بین آن‌ها مشخص می‌شود. این ارتباط، یک رابطه دو سویه است؛ از یک سو فرهنگ محسوس، ریشه در فرهنگ غیرمحسوس دارد و بر آن، استوار است و از آن سرچشمه می‌گیرد و از سوی دیگر، فرهنگ غیرمحسوس، از تغییرات و تحولات فرهنگ محسوس، تأثیر می‌پذیرد.

فرهنگ غیرمحسوس، بدنه اصلی فرهنگ یک جامعه است این بدنه، قدرت روحی و نیروی حیاتی یک ملت را مشخص می‌کند و تمام ابعاد، تولیدات و مصنوعات زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، ریشه در فرهنگ غیرمحسوس و ذهنی جامعه دارد.

این دو بعد فرهنگ، «هویت فرهنگی» هر جامعه را تشکیل می‌دهند و تضعیف آن، به‌ویژه در لایه‌های غیرمحسوس، ضایعه‌ای است که هویت یک گروه اجتماعی را تهدید می‌کند. فرهنگ محسوس را می‌توان از دیگران به عاریه گرفت، توسعه داد و غنی ساخت، اما کسب فرهنگ غیرمحسوس، به آسانی امکان‌پذیر نیست و آثار مثبت یا منفی آن می‌تواند بسیار عمیق و گسترده باشد.

بررسی و گفتگو کنید (صفحه ۱۶ کتاب درسی)

اگر فردی، لباس یا پیراهنی بپوشد که بر روی آن، تصویری از نمادهای ملی باشد، این نوع پوشش، چه پیامی از فرهنگ محسوس و فرهنگ غیرمحسوس را به دیگران منتقل می‌کند؟ اگر این لباس، حاوی تصاویری از نمادهای بیگانه باشد، دیگران، چه پیامی از آن دریافت خواهند کرد؟



همان‌گونه که آموخته‌اید اجزای مختلف یک جهان اجتماعی را می‌توان براساس اهمیت و نقشی که ایفا می‌کنند، تقسیم‌بندی نمود. از آن‌جا که ارتباط تنگاتنگی بین فرهنگ و اجتماع وجود دارد، فرهنگ را نیز می‌توان در چهار سطح به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- عقاید و باورها: مجموعه جهان‌بینی و اعتقاداتی که در یک فرهنگ وجود دارد؛ مانند اعتقاد به خداوند و روز قیامت و کرامت انسان.

۲- ارزش‌ها: بار معنایی خاص که انسان برای برخی از اعمال و کنش‌ها، حالت‌ها و پدیده‌ها قائل است و حکایت از مطلوبیت و مفید بودن پاره‌ای از امور در زندگی انسان دارند؛ مانند عدالت، ظلم‌ستیزی، آزادی و کمک به محرومین، علم و آگاهی.

۳- هنجارها: کنش‌هایی که برای تحقق ارزش‌ها توسط افراد انجام می‌شود و همگان به رعایت آنها ملزم و وفادارند؛ مانند رعایت قانون، نوع پوشش در جامعه و عبور نکردن از چراغ قرمز.

۴- **نمادها:** نشانه‌ها و امور قراردادی که معرف معنایی خاص است و پیامی خاص را القا یا تداعی می‌کند؛ مانند پرچم، صدای زنگ مدرسه، علائم تابلوهای راهنمایی، مناره و گنبد.

سطوح فرهنگ

چه رابطه‌ای میان سطوح و ابعاد فرهنگ برقرار است؟ شناخت و درک این ارتباطات، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

مناسبات این چهار سطح با ابعاد و وجوه فرهنگ، در نمودار نمایش داده شده است:

↓	نمادها	↑	فرهنگ محسوس و ملموس
↓	هنجارها و ابزارها	↑	
↓	ارزش‌ها	↑	فرهنگ غیر محسوس و غیر ملموس
↓	عقاید، باورها و آگاهی‌ها	↑	

مناسبات و ارتباط سطوح و لایه‌های فرهنگ با یک‌دیگر

هم‌چنان که مشاهده می‌کنید، عقاید و ارزش‌ها در لایه‌های عمیق و زیرین فرهنگ و هنجارها و نمادها در لایه‌های سطحی قرار دارند و از عقاید و ارزش‌ها سرچشمه می‌گیرند. این چهار لایه با هم دادوستد داشته، بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. هم‌چنین تغییر هر لایه، بر روی سایر لایه‌ها اثر گذاشته و می‌تواند باعث تغییر آن‌ها شود. تفاوت فرهنگ‌ها، به نوع عناصر فرهنگی، چگونگی چینش و وزن‌دهی به این عناصر و مناسبات و روابط بین آن‌ها باز می‌گردد و هویت‌های فرهنگی متفاوتی می‌سازد.

بررسی و گفت‌وگو (صفحه ۱۷ کتاب درسی)

موضوعات زیر را از منظر سطوح و ابعاد فرهنگ، بررسی کرده و درباره آن‌ها در کلاس گفتگو کنید:

- آیا در محل سکونت شما بناهای قدیمی وجود دارد؟ چرا سبک معماری و نحوه ساخت‌وساز خانه‌های مسکونی امروز با گذشته متفاوت است؟

خانه مدرن و قدیمی در تهران



-دو ژاپنی چگونه به هم احترام می‌گذارند؟ چرا روش آن‌ها با روش احترام گذاشتن ما به یک‌دیگر، متفاوت است؟



فصل اول- درس ۲: چرایی شناخت فرهنگ و تحلیل فرهنگی

ضرورت‌ها و نقش‌های فرهنگ

در درس قبل دانستیم، گستره فرهنگ، به گستردگی حیات اجتماعی انسان است. از این‌رو، هر انسانی به عنوان یک کنشگر اجتماعی، تحت تأثیر فرهنگ و جهان‌های فرهنگی قرار دارد و براساس باورها و ارزش‌های فرهنگی، کنش فردی و اجتماعی انجام می‌دهد.

دلایل ضرورت و اهمیت شناخت فرهنگ و تحلیل فرهنگی عبارت‌اند از:

۱- فرهنگ، و جامعه پذیری

«ما» و «جهان‌های فرهنگی» چه مناسباتی با هم داریم؟ از هم چه تأثیری می‌پذیریم و بر هم چه تأثیری می‌گذاریم؟



شخصیت و هویت «ما»، در جهان فرهنگی شکل می‌گیرد. «ما» از فرهنگ، اثر پذیرفته و بر آن اثر می‌گذاریم. همه ما، از آغاز تولد تا لحظه مرگ، در جهان‌های فرهنگی متعدد زندگی می‌کنیم، با هزاران نماد و نشانه فرهنگی، در خانه، خیابان، مدرسه، جامعه روبه‌رو هستیم و در تمام تصمیمات خود، اعم از لباس پوشیدن، غذا خوردن، درس خواندن، تماشای تلویزیون، تفریح نمودن و نیز انتخاب رشته تحصیلی، نوع شغل، انتخاب همسر و... با فرهنگ و پدیده‌های فرهنگی سروکار داریم. در نتیجه باید، «فرهنگ» را بشناسیم، و توانایی تجزیه و «تحلیل فرهنگی» به دست آوریم.

هنگامی که نوزاد انسان به دنیا می‌آید، رفتارهای طبیعی و زیستی از خود بروز می‌دهد؛ گریه می‌کند، دست‌وپای خود را حرکت می‌دهد، چشم‌های خود را باز و بسته می‌کند، و... اما به مرور زمان، تحت تأثیر فرهنگ خانواده و

براساس فطرت خدادادی، آگاهی‌ها، مهارت‌ها و باورهای او شکل می‌گیرد و رفتارها و کنش‌هایی در سطح بالاتر از خود نشان می‌دهد. مهم‌ترین نمود فرهنگ‌پذیری، زبان‌آموزی و ادای کلمات و واژگان است که عمدتاً از فرهنگ خانواده و زبان و رفتار پدر و مادر، به صورت مستقیم و غیرمستقیم فراگرفته می‌شود.

کودک از طریق حواس، جهان اطراف خود را شناسایی و ادراک می‌کند و این امر، به رشد و گسترش توانایی زبانی او می‌انجامد. شکل‌گیری و رشد زبان در فرد، مقدمه شکوفایی و رشد «اندیشه» در او خواهد شد.

فرهنگ، ابتدا بیرون از وجود کودک، و در وجود دیگران، نمادها، جهان اجتماعی و فرهنگی، موجود است و در تعامل کودک با دیگران، به درون وی، راه یافته و باعث درونی شدن فرهنگ می‌شود.

فرهنگ از طریق یادگیری و درونی شدن، استمرار می‌یابد و افراد، با عجين شدن فرهنگ با استعدادهای ذاتی‌شان، به بسط و گسترش فرهنگ (مانند تولید ابزار و تفکرات جدید) پرداخته و بر آن، تأثیر می‌گذارند.

فرهنگ، عامل اتصال و روح تعاملات اجتماعی است و ارتباطات اجتماعی در بستر فرهنگ و توسط آن اتفاق می‌افتد. بدون فرهنگ، ارتباط و تعامل با دیگران، امکان‌پذیر نیست، هم‌چنان که نحوه تعامل ما با دیگران را نیز، فرهنگ، مشخص می‌کند؛ به عنوان مثال، اگر فردی به ما، طوری تعارف کند، که از عمل این فرد و نحوه تعارف کردن او، بفهمیم که او به ما ابراز محبت و صمیمیت کرده، متقابلاً ما نیز، محبت‌آمیز برخورد می‌کنیم، ولی اگر تلقی ما از رفتار او این باشد که درصدد تحقیر یا کوچک شمردن ماست، به گونه‌ای دیگر رفتار خواهیم کرد. این تفاوت در رفتار و سبک زندگی، در فرهنگ‌های مختلف (مانند تفاوت مراسم پذیرایی و تعارفات در فرهنگ اروپایی، آفریقایی، آسیایی و...) به خوبی مشهود است و بر ضرورت و اهمیت شناخت فرهنگ، تأکید دارد.

بررسی، گفتگو و تجزیه و تحلیل (صفحه ۲۰ کتاب درسی)

در شهر شما، مراسم ازدواج، دارای چه آداب و رسومی است؟ اگر فردی با این آداب آشنا نباشد و یا آن‌ها را رعایت نکند، چه پیش می‌آید؟

۲- فرهنگ و هدف‌مندی در زندگی

هریک از ما، به عنوان یک کنش گر اجتماعی، از کودکی تا پایان عمر، تحت تأثیر فرهنگ و جهان های فرهنگی قرار داریم و براساس باورها و ارزش های فرهنگی خویش، کنش فردی و جمعی انجام می دهیم. فرهنگ در شکل گیری شخصیت ما، تأثیر فراوان دارد. باورها، نگرش ها و کنش های ما، تحت تأثیر فرهنگ خانواده، فرهنگ مدرسه و فرهنگ جهان اجتماعی است و جامعه پذیری که موجب پویایی جهان اجتماعی می شود، توسط فرهنگ و نهادهای فرهنگی، صورت می گیرد.

از سوی دیگر، هر یک از ما، در زندگی خود، هدف یا اهدافی داریم و برای دستیابی به آن ها و کسب موفقیت، تلاش می کنیم. معنای زندگی ما و انتخاب و ترجیح یک هدف بر اهداف دیگر، متأثر از باورها و ارزش های ماست. اگر برای رسیدن به هدف، نهاد دانش و مهارت خاصی نیاز باشد، سعی می کنیم آن ها را در مدرسه یا آموزشگاه های بیرون از مدرسه به دست آوریم. اگر تحقق هدف ما، به سرمایه نیاز داشته باشد، با تلاش خود و همراهی خانواده، سعی می کنیم آن را تأمین نماییم. علاوه بر این تلاش ها و امکانات، دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی، نیازمند فراهم آوردن بستر فرهنگی مناسب آن هدف است. شرایط فرهنگی، باید پذیرای تحقق اهداف باشد و از آن حمایت کند؛ مثلاً اگر اهداف ما، با فرهنگ خانوادگی یا جامعه، همخوانی نداشته باشد و حتی با آن ها در تعارض و تضاد باشد، مقاومت و مخالفت اعضای خانواده یا جامعه، باعث عدم موفقیت در اجرای برنامه ها می شود. در نتیجه، موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی، نیازمند توجه به فرهنگ و شرایط فرهنگی جامعه است و شناخت آن برای تحقق اهداف، ضروری است.



۳- فرهنگ و پویایی حیات اجتماعی

فرهنگ، «روح جمعی» حاکم بر زندگی آدمی است که تمام زوایای آشکار و پنهان زندگی را دربر گرفته است. فرهنگ، همانند ریشه درخت است که پویایی و شادابی درخت زندگی به سلامت ریشه های آن وابسته است.

اگر شاخه یا برگ یا میوه درخت، آسیب ببیند، درخت از بین نمی‌رود، اما اگر ریشه درخت آسیب دید و خشک شد، چه اتفاقی می‌افتد؟ نهادهای خانواده، اقتصاد، سیاست، هنر، بهداشت، ورزش، تعلیم و تربیت و ... همه ریشه در فرهنگ جامعه دارند و از آبشخور آن، سیراب می‌شوند. تمام فعالیت‌ها و کنش‌های فردی و گروهی افراد، از باورها و ارزش‌های فرهنگ جامعه، نشئت می‌گیرد.

انسان و جامعه، از فرهنگ جدایی، ناپذیرند، در نتیجه انسان بدون فرهنگ و جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد، هم‌چنان که فرهنگ بدون انسان و جامعه نیز، پدید نمی‌آید.

آیا بدون شناخت و کسب شایستگی‌های لازم، امکان حفظ حیات اجتماعی و جلوگیری از آسیب‌ها، وجود دارد؟

بی‌تردید، همان‌گونه که حفظ حیات جسمانی انسان و تداوم رشد بدن، وابسته به شناخت از انسان و شرایط زیست اوست، حفظ و صیانت از حیات اجتماعی نیز، ارتباط مستقیم با شناخت فرهنگ و عوامل و عناصر آن دارد.



۴- فرهنگ و وحدت ملی

کشور ایران، سرزمینی وسیع و گسترده با منابع و امکانات فراوان است که اقوام و گروه‌های مختلف در آن زندگی می‌کنند. این اقوام، علی‌رغم برخی از تفاوت‌های زبانی، مذهبی، نژادی، به دلیل دارا بودن «فرهنگ مشترک» توانسته‌اند در طول تاریخ، وحدت ملی خویش را حفظ کرده و با هم زندگی کنند.

فرهنگ، مهم‌ترین عامل انسجام ملی و هم‌بستگی اجتماعی به‌شمار می‌رود. انسجام ملی در هر جامعه، نیازمند تقویت و صیانت از بنیان‌های فرهنگی آن جامعه می‌باشد؛ چه بنیان‌های فرهنگ محسوس و ملموس و چه بنیان‌های فرهنگ معنوی و غیرمحسوس. صیانت از: آثار و ابنیه تاریخی، میراث مکتوب، اسطوره‌ها و قهرمانان ملی، ادبیات و زبان، ارمان‌ها، عقاید، باورهای عقلانی و فطری (مانند توحید، عدالت‌خواهی) و نظایر آن‌ها، در تحکیم و تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی نقش دارند. کسانی می‌توانند منادی وحدت و انسجام اجتماعی باشند و گفتار و رفتار آن‌ها به هم‌بستگی ملی و اجتماعی کمک کند که شناخت دقیق و عمیق از فرهنگ جامعه و درک صحیح از ارزش‌ها و باورهای وحدت‌آفرین داشته باشند.

هم‌اندیشی و گفتگو کنید (صفحه ۲۲ کتاب درسی)

تولید و ترویج لطیفه‌های قومی و طنزهای مخرب علیه شخصیت‌ها و قهرمانان ملی و اقوام و گروه‌های مختلف، به‌ویژه در فضای مجازی، چرا و چگونه انجام می‌شود؟ تأثیر منفی آن‌ها بر تضعیف وحدت ملی و انسجام اجتماعی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟



۵- فرهنگ و گسترش جهان‌های اجتماعی

مطالعه و شناخت فرهنگ، زمینه ارتباط با «گذشتگان» و «آیندگان» را فراهم می‌آورد و مرزهای «زمان» را درمی‌نوردد و با توسعه علم و آگاهی، امکان آشنایی با جهان اجتماعی دیگر میسر می‌شود. زمانی که کتاب

تاریخی مطالعه می‌کنیم، یا از موزه بازدید می‌کنیم، هنگامی که از اعمال وحشیانه چنگیز و همراهانش نسبت به مردم شهرها و روستاها ناراحت می‌شویم، زمانی که زندگانی مالک‌اشتر را بررسی کرده و او را الگوی خود قرار می‌دهیم و... در همه این موارد، با فرهنگ گذشتگان و موارث فرهنگی آنان آشنا می‌شویم، گویی با «گذشتگان» زندگی کرده و در «گذشته» حضور داشته‌ایم.

آن هنگام که سیاست‌مداران و مردمی را تحسین می‌کنیم که با قناعت در مصرف منابع طبیعی و منابع میان نسلی، (مانند ذخایر نفت)، زمینه زندگی مناسب را برای «آیندگان» فراهم می‌آورند، گویی با «آیندگان» زندگی می‌کنیم و شرایط آنان را، درک می‌کنیم.

بنابراین، فرهنگ، نه تنها عامل و پایه تعامل با دیگران است، بلکه جهان اجتماعی ما را هم گسترش می‌دهد، ما را از تنگنای جهان فعلی بیرون برده و در صحنه گسترده معاصران، گذشتگان، و آیندگان قرار می‌دهد و با این کار، موجبات رشد و شکوفایی بیش‌تر ما را فراهم می‌آورد. هم‌چنین تعاملات فرهنگی، باعث شناخت سایر جهان‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

شناخت «فرهنگ» و «تحلیل فرهنگی» یعنی:

- شناخت و تجزیه و تحلیل توان‌مندی‌ها، باورها، اندیشه‌ها و رفتارهای «خود» و دیگران
 - شناخت «گذشتگان» و موارث و آثار آنان، موفقیت‌ها و شکست‌های ایشان،
 - شناخت «معاصران» و تحلیل سبک زندگی، افکار و ارزش‌های آنان،
 - شناخت «آیندگان» و شرایط زیست فرهنگی و اجتماعی ایشان.
- رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، با تولید و توزیع اطلاعات، زمینه گسترش جهان اجتماعی و فرهنگی را فراهم آورده و ارتباط با جهان اجتماعی دیگر را آسان و سریع می‌کنند.

۶- فرهنگ و آینده بشر

انسان‌ها در طول تاریخ زندگی خویش، فراز و فرود فراوانی را تجربه کرده و سیر تکاملی و تعالی جویانه‌ی خود را طی کرده‌اند. در ابعاد مادی و محسوس زندگی بشر، حرکت از زندگی ساده و ابتدایی آغاز و پس از عبور از دوره‌های مختلف کشاورزی و صنعتی به زندگی فناورانه امروز رسیده است. در ابعاد فرهنگ غیرمحسوس نیز،

سیر تحولی خویش را پشت سر نهاده و با پستی‌ها و بلندی‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌های فکری و معنوی روبه‌رو بوده است.

از یک سو، انسان امروزی، نسبت به گذشته به علم و آگاهی، عقلانیت و معنویت فزون‌تر، دست پیدا کرده است، و از سوی دیگر، کژي‌ها و آسیب‌هایی، مانند اعتیاد، سرقت، بی‌عدالتی، استثمار، با پیچیدگی و گستردگی بیش‌تری در زندگی انسان جریان یافته است. براساس شواهد و قرائن، در ادامه این راه، انسان آینده، آگاه‌تر و عالم‌تر، عدالت‌خواه‌تر، و جامعه انسانی، جامعه فرهنگ محور و دانش‌بنیان خواهد شد، در نتیجه، اندیشه و فرهنگ، میدان‌دار زندگی انسان‌های آینده می‌شود. علم و آگاهی، بیش از پیش، در زندگی آدمیان، نقش‌آفرینی کرده و باورها و ارزش‌ها، مناسبات فردی و اجتماعی آنان را رقم خواهند زد.

شهید مطهری:

انسان آینده، «انسان فرهنگی» است و عوامل و مؤلفه‌های فرهنگی، بیش از پیش در زندگی فردی و اجتماعی او تأثیر خواهد داشت.

به همین دلیل، در دوران جدید، بر اهمیت و ضرورت توجه به فرهنگ و مقولات فرهنگی و گسترش علم و دانایی افزوده شده است و رسیدن به پیشرفت و توسعه و دستیابی به جامعه انسانی توأم با اخلاق و معنویت و ارزش‌های والای انسانی، مورد توجه جدی قرار گرفته است. امروزه منابع انسانی، به مثابه اصلی‌ترین سرمایه هر جامعه، محسوب شده و باورها، شایستگی و مهارت‌های او از جایگاه رفیع و بی‌بدیل برخوردار شده است. جامعه پیشرفته و توسعه‌یافته، جامعه‌ای خواهد بود که از علم و آگاهی و از سرمایه انسانی بیش‌تر، با شایستگی فزون‌تر و فرهنگ متعالی برخوردار باشد.

گفتگو کنید (صفحه ۲۴ کتاب درسی)

با تشکیل «میزگرد فرهنگی» درباره موضوعات زیر، گفتگو کنید:

۱- امام خمینی (ره) می‌فرماید: «بی‌شک والاترین و بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت آن جامعه را تشکیل می‌دهد».

۲- عبارت «انقلاب اسلامی - یک انقلاب فرهنگی است» به چه معناست؟ این رویکرد، در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، رفتار مسئولان و مردم چه تأثیری داشته و چه پیامدهایی را به همراه دارد؟



فصل اول- درس ۳: چگونگی تحلیل فرهنگی

براساس آمارهای موجود، «سن ازدواج» در کشور، در دو دهه گذشته، بالا رفته است. علل این پدیده کدام‌اند؟ آیا صرفاً شرایط و دلایل اقتصادی باعث پیدایش این «مسئله» شده است؟ تغییر سبک زندگی مردم، چه نقشی در بروز آن داشته است؟

این «مسئله» را، چگونه «تحلیل» می‌کنید و برای بررسی و تجزیه و تحلیل آن، به چه دانش‌ها و مهارت‌هایی نیاز دارید؟

تحلیل فرهنگی به چه معناست؟ برای تجزیه و تحلیل فرهنگی پدیده‌ها، به چه دانش‌ها و مطالعاتی نیاز داریم؟ پیامدهای تحلیل فرهنگی چیست و چه مسئولیت‌هایی را متوجه ما می‌کند؟

برای پاسخ دادن به این سؤالات، لازم است ابتدا مفاهیم «مطالعات فرهنگی»، «رویکرد فرهنگی» و «تحلیل فرهنگی» را بررسی کنیم.

مطالعات فرهنگی

مطالعات فرهنگی به چه معناست؟ و شامل چه موضوعاتی می‌شود؟

مطالعات فرهنگی، مجموعه‌ای از بررسی‌های انتقادی درباره فرهنگ عمومی و مسائل روزمره است که وضعیت فرهنگی جهان‌های اجتماعی معاصر را بررسی می‌کند.

هدف از این مطالعات، شناسایی نقاط قوت و ضعف فرهنگ افراد و جهان اجتماعی، برای کمک به انسانی‌تر شدن زندگی روزمره است.

گسترش سریع و روزافزون فناوری‌های ارتباطی، حضور قدرت‌مند و فعالیت پرتنوع رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی و بررسی نفوذ و تأثیر فوق‌العاده آن‌ها بر فرهنگ افراد و فرهنگ جامعه، هم‌چنین تعامل رسانه‌ها با سایر نهادهای اجتماعی، (مانند خانواده، اقتصاد، سیاست) مورد توجه مطالعات فرهنگی است.

تجربه زندگی در جهان‌های متنوع فرهنگی، گسترش مهاجرت (روستا، شهر، سایر کشورها)، در هم تنیدگی و تعامل خرده فرهنگ‌ها، اختلافات فرهنگی، تعاملات فرهنگی بین‌المللی و... از جمله موضوعاتی است که در مطالعات فرهنگی تجزیه و تحلیل می‌شود.

مطالعات فرهنگی به دنبال کشف روابط و مناسبات فرهنگ با نژاد، جنسیت، طبقه، زبان، مذهب، حاکمیت و قدرت است. در این حوزه مطالعاتی، فرهنگ سرمایه‌داری معاصر، به عنوان فرهنگ مادی و کالایی شده، مورد نقد جدی قرار می‌گیرد.

تحقیق کنید (صفحه ۲۶ کتاب درسی)

رشته‌های دانشگاهی در حوزه فرهنگ و موضوعات فرهنگی را، در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌های کشور، شناسایی کرده و در کلاس معرفی کنید.



بیش‌تر بدانیم: سواد فرهنگی

امروزه، «سواد» به توانایی خواندن، نوشتن و حساب کردن محدود نمی‌شود و افراد باسواد کسانی نیستند که می‌توانند متنی را بخوانند یا مطلبی را بنویسند و یا عملیات ریاضی را انجام دهند. «سواد» در عصر جدید، به مجموعه‌ای از دانش‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که برای شناخت، درک، برقراری ارتباط و استفاده از پدیده‌ها، مورد نیاز است. بنابراین، «سواد فرهنگی» مجموعه‌ای از شناخت‌ها و توانایی‌های اساسی است که افراد، برای درک عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ، مسائل فرهنگی، هویت فرهنگی، برقراری ارتباط با دیگران و تجزیه و تحلیل فرهنگی، از آن برخوردارند.

سواد فرهنگی، افراد را توانمند می‌سازد تا توانایی شناخت هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم در فرهنگ‌های مختلف را کسب کنند و در شرایط و موقعیت‌های فرهنگی، رفتار مناسبی از خود بروز دهند. باسوادان فرهنگی، مهارت تجزیه و تحلیل فرهنگی یک فیلم را دارند، پیام یک کتاب رمان را درک می‌کنند، تأثیر وب‌گردی و اعتیاد اینترنتی بر باورها و رفتار کاربران فضای مجازی را می‌فهمند، با قوت و ضعف فرهنگ دیگران، آشنا هستند، مسائل و مشکلات فرهنگی جامعه را می‌شناسند و توانایی نقد و تجزیه و تحلیل آن‌را دارند. سواد فرهنگی،

زمینه حضور فعال و مؤثر افراد در جهان فرهنگی را فراهم می‌سازد و به آنان امکان می‌دهد تا شناخت مناسب از تاریخ خود و جامعه جهانی و مناسبات اجتماعی و ارتباطات فرهنگی به دست آورند و توانایی تعامل مفید و ارتباط مؤثر را کسب کنند.

در مقابل، فرد بی‌سواد فرهنگی، فاقد توانایی درک پدیده‌های فرهنگی است، مهارت بررسی تأثیر متقابل پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با پدیده‌های فرهنگی را ندارد. از تجزیه و تحلیل سبک زندگی مردم عاجز است، برای اصلاح فرهنگ مصرف بی‌رویه، راه‌حلی ندارد. بی‌سواد فرهنگی، در برابر تهاجم فرهنگی، منفعل است و توانایی نقد و بررسی فرهنگ بیگانه را کسب نکرده است.

اولین بار، واژه «سواد فرهنگی» توسط «هیرش» نویسنده آمریکایی در سال ۱۹۸۲ با ارائه شناخت مناسب درباره ۵۰۰۰ موضوع، به کار گرفته شد. هیرش در سال ۲۰۰۱ دایرةالمعارف کامل سواد فرهنگی را منتشر ساخت.

رویکرد فرهنگی چیست؟

آیا تاکنون از عینک دودی استفاده کرده‌اید؟ اشیای اطراف خود را چگونه دیده‌اید؟ اگر رنگ شیشه عینک خود را سبز یا قرمز انتخاب کنید، آن‌گاه اشیای اطراف را چگونه خواهید دید؟ آیا رنگ اشیای اطراف شما تغییر کرده است یا عینک و نوع نگاه، سبب این تفاوت شده است؟



پیش چشم‌داشتی شیشه کبود
زان سبب عالم کبودت می‌نمود
گر نه کوری این کبودی دان ز خویش
خویش را بدگو مگو کس را تو بیش
مثنوی معنوی، دفتر اول، بخش ۷۲

هر یک از ما با عینکی که بر چشم داریم و یا از دریچه‌ای که در پشت آن قرار گرفته‌ایم، پدیده‌های اطراف و دنیای خارج از ذهن خویش را می‌بینیم و آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. گاهی از منظر سیاسی، یا اقتصادی یا اجتماعی و گاهی هم با رویکرد فرهنگی.

رویکرد فرهنگی یعنی همه پدیده‌ها موضوعات را از منظر «فرهنگ» نگریستن و با معیار «فرهنگ و شاخص‌های فرهنگی» آن‌ها را تجزیه و تحلیل کردن.

در رویکرد فرهنگی، اصالت و اولویت با ارزش‌ها و شاخص‌های فرهنگی است. اگر در جامعه‌ای، اخلاق، ادب، علم و آگاهی، قانون‌گرایی و عدالت از شاخص‌های مهم فرهنگ آن جامعه باشد، همه رفتارها و عملکردهای فردی و نهادهای اجتماعی با آن‌ها سنجیده می‌شود و پیشرفت و تعالی جامعه نیز به گسترش و تقویت این ارزش‌ها می‌انجامد. در مقابل، اگر در جامعه‌ای، بی‌نظمی، قانون‌گریزی، فردگرایی، دروغ‌گویی و منفعت‌گرایی فردی ارزش تلقی شوند، جامعه مسیر قهقرایی طی می‌کند و برخی افراد با تمسک به این ویژگی‌ها به تجزیه و تحلیل پدیده‌ها می‌پردازند و کنش خود را براساس آن تنظیم می‌کنند.



تجزیه و تحلیل (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

«مسئله» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و در کلاس درباره آن گفتگو کنید:

اگر در محل زندگی شما یک فروشگاه بزرگ برای عرضه وسایل زندگی با اولویت اجناس و کالاهای خارجی، دایر شود، آیا این اقدام، صرفاً یک فعالیت اقتصادی است؟
این اقدام تنها یک فعالیت اقتصادی نیست؛ بلکه به عنوان یک عامل فرهنگی و اجتماعی نیز می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه بگذارد. فروشگاه‌های عرضه‌کننده کالاهای خارجی ممکن است باعث ایجاد فرهنگ

مصرف‌گرایی در میان مردم شوند و ترجیحات مردم را به سمت محصولات خارجی سوق دهند. این امر می‌تواند به کمرنگ شدن ارزش‌های فرهنگی داخلی و ترویج نقل و انتقال فرهنگ از جوامع خارجی منجر شود، که به تبع آن، هویت فرهنگی و اقتصادی جامعه به خطر می‌افتد.

این فروشگاه، چه آثار فرهنگی و اجتماعی به همراه دارد و چه تأثیری بر سبک زندگی مردم محله و منطقه بر جای می‌گذارد؟

عرضه کالاهای خارجی می‌تواند موجب تغییر اولویت‌های مصرفی مردم و ایجاد حس وابستگی به محصولات خارجی شود. این امر می‌تواند بر سبک زندگی مردم تأثیر بگذارد، به طوری که مردم به جای ترجیح کالاهای داخلی، به سمت محصولات خارجی با کیفیت و قیمت‌های مختلف گرایش پیدا کنند. در نتیجه، این فروشگاه‌ها ممکن است موجب تقویت فرهنگ غرب‌گرایی و تقلید از جوامع خارجی شده و همچنین باعث رقابت ناعادلانه با تولیدات داخلی شوند، که در بلندمدت می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس فرهنگی و اقتصادی کشور منجر شود. این فروشگاه‌ها می‌توانند به عنوان عاملی برای تغییر در الگوهای مصرفی مردم عمل کنند، که باعث خواهد شد مردم به سمت محصولات خارجی سوق پیدا کنند. این روند می‌تواند منجر به افزایش وابستگی به خارج و کاهش اعتماد به تولیدات داخلی شود. همچنین، ممکن است تأثیرات منفی بر سبک زندگی مردم داشته باشد و باعث تقویت فرهنگ مصرف‌گرایی و گرایش به کالاهایی که از نظر برخی به عنوان نماد رفاه و مد روز محسوب می‌شوند، گردد.

چرا در اکثر کشورها، مصرف کالای داخلی (حتی با کیفیت پایین‌تر و قیمت بالاتر) بر مصرف کالاهای خارجی ترجیح دارد؟

در اکثر کشورها، حمایت از کالاهای داخلی به دلیل تقویت اقتصاد ملی و حفظ اشتغال داخلی انجام می‌شود. این سیاست‌ها علاوه بر کمک به رشد صنایع داخلی، موجب کاهش وابستگی به کشورهای خارجی می‌شود. همچنین، مصرف کالاهای داخلی به حفظ هویت فرهنگی و ارزش‌های ملی کمک می‌کند و به مردم احساس تعلق به کشور خود را القا می‌کند. در نهایت، این اقدام می‌تواند باعث توسعه پایدار اقتصادی و حمایت از تولیدات داخلی شود که به نفع آینده کشور است.

با توجه به تقسیم فرهنگ به دو بخش محسوس و غیرمحسوس و با عنایت به تأثیر و نقش فرهنگ غیرمحسوس در تحقق و تعیین فرهنگ محسوس، مشخص می‌شود که رویکرد فرهنگی، یعنی رویکرد مبتنی بر باورها و ارزش‌ها که ریشه در فرهنگ غیرمحسوس و مجموعه باورها و ارزش‌ها دارد. باور، قدرتمندترین عنصر

فرهنگ است و باورهای عالی، سرچشمه موفقیت‌های بزرگ هستند. زیرا قانون زندگی، قانون باورها و اعتقادات است و انسان‌ها همان‌گونه که باور دارند، می‌اندیشند و عمل می‌کنند. فرق بین انسان‌ها و فرهنگ‌ها، فرق میان باورها و ارزش‌های آن‌هاست. انسان‌های موفق با باورهای متعالی، موفقیت را برای خود خلق می‌کنند.



گفتگو کنید (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

نلسون ماندلا: می‌دانی فرق من با زندانبانم چیست؟
زمانی که پنجره کوچک سلولم را باز می‌کرد، او تاریکی و غم را می‌بیند و من روشنایی و امید را.



تحلیل فرهنگی

مفهوم «تحلیل فرهنگی» چیست و برای تجزیه و تحلیل دقیق و علمی، به چه مهارت‌هایی نیاز است؟

«تحلیل فرهنگی»، حوزه‌ای میان رشته‌ای است که در صدد بررسی، تفسیر و تبیین پدیده‌های فرهنگی و کنش‌های اجتماعی است. تحلیل فرهنگی، به معنای بررسی پدیده‌ها از منظر فرهنگی و با شاخص‌های فرهنگی، به همراه تفسیر و تحلیل نمادها و نشانه‌های موجود در یک فرهنگ است. تحلیل فرهنگی، نوعی توانایی و

شایستگی معرفتی و ذهنی است که تحلیل‌گران در رویارویی با مشکلات و چالش‌های زندگی مادی و معنوی خویش، از منظر فرهنگی، آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کنند.

در تحلیل فرهنگی، هدف، ایجاد فهم فرهنگی از پدیده‌هاست و تمام پدیده‌ها از منظر فرهنگی، و با رویکرد فرهنگی نقد و بررسی و واکاوی می‌شوند.

هدف از تحلیل فرهنگی در این کتاب، توانمند ساختن دانش‌آموزان است تا با کسب آگاهی و شناخت از مفاهیم فرهنگی، پدیده‌های مختلف زندگی روزمره را از منظر فرهنگی بنگرند و تجزیه و تحلیل کنند و با تشخیص مسائل فرهنگی، برای حل آن‌ها، چاره‌اندیشی کرده و مسئولیت خویش را در قبال بهبود یا اصلاح آن‌ها ایفاء نمایند.

تفاوت «تحلیل فرهنگی» با «مطالعه فرهنگ» و «مطالعات فرهنگی»

«مطالعه فرهنگ»، «مطالعه فرهنگی» و «تحلیل فرهنگی» چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

«مطالعه فرهنگ» صرفاً به بررسی و توصیف ویژگی‌های فرهنگ یک جامعه می‌پردازد. مثل فرهنگ اروپایی، فرهنگ ایرانی، فرهنگ یونانی. در مطالعات فرهنگ، بیش از نقد فرهنگ یک جامعه، ویژگی‌های فرهنگ آن جامعه (مانند آداب و رسوم، ارزش‌ها، مصنوعات، هنر و معماری) توصیف و تبیین می‌شود. امروزه رشته انسان‌شناسی فرهنگی، به مطالعه فرهنگ جوامع معاصر می‌پردازد.

اما، «مطالعات فرهنگی»، به بررسی و تحلیل انتقادی ابعاد و فرایندهای فرهنگی جوامع در دوران معاصر می‌پردازد. این مطالعات در دهه ۱۹۵۰ در بریتانیا ظهور کرد و از اهداف آن، نقد «فرهنگ توده‌ای» بوده است. فرهنگ توده‌ای، همان فرهنگ عامه مردم است که با تولید انبوه به دست جمعیت انبوه رسیده است. مصرف فرهنگی این جمعیت، کالاهای سطحی و نازل است که صنعت فرهنگ، آن‌ها را برای کسب سود بیش‌تر تولید می‌کند. به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان هنر، فرهنگ و هنر توده‌ای، فرهنگ بومی و محلی و فاخر را به خطر می‌اندازد. مطالعات فرهنگی، به نقد فرهنگ سرکوب‌گر و سرمایه‌داری معاصر می‌پردازد و معتقد است این فرهنگ، فرهنگی مادی و کالایی شده است.

«تحلیل فرهنگی»، به‌عنوان یک سنت علمی، در صدد بررسی و تجزیه و تحلیل پدیده‌های فرهنگی است و با مطالعات فرهنگی و مطالعه فرهنگ متفاوت است، هرچند با آن‌ها ارتباط دارد. هدف از تحلیل فرهنگی، ایجاد

فهم فرهنگی از پدیده‌هاست. در تحلیل فرهنگی، فرد تحلیل‌گر، با استفاده از یافته‌های مطالعات فرهنگی و با شناخت فرهنگی جامعه به علل وجودی و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها می‌پردازد.

تجزیه و تحلیل کنید (صفحه ۳۱ کتاب درسی)

مسئله فرهنگی زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کنید:

آیا تاکنون به «موزه» رفته‌اید؟ با کدام‌یک از موزه‌های داخلی یا خارجی آشنایی دارید؟ چرا میزان توجه و بازدید از «موزه»‌ها در بین مردم ایران کم است؟ برای افزایش علاقه به این پدیده فرهنگی چه باید کرد؟ نقش خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها، در تقویت آشنایی و علاقه‌مندی مردم و جوانان چیست؟



موزه پست و تلگراف ایران

چرا گردشگران خارجی، تمایل بیشتری به بازدید از موزه‌ها و آثار باستانی دارند؟ چگونه می‌توان از این ظرفیت، برای رشد اقتصادی کشور استفاده کرد؟

تحقیق کنید (صفحه ۳۱ کتاب درسی)

به چند گروه دانش‌آموزی تقسیم شوید. هر گروه با راهنمایی دبیر محترم، درباره بخش‌هایی از فرهنگ یک کشور تحقیق کرده و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

فصل دوم- درس ۱: تغییرات و تحولات فرهنگی

فرهنگ ثابت است یا متغیر؟

تغییر در فرهنگ چگونه اتفاق می‌افتد؟ آیا همه مؤلفه‌های فرهنگ تغییر می‌کنند؟

نیازهای انسان، به دو گروه به شرح زیر قابل تقسیم است:

الف) نیازهای ثابت: این نیازها به ذات انسان، فارغ از زمان، مکان و جنسیت او بازمی‌گردد و بین همه انسان‌ها مشترک است و ریشه در فطرت انسانی دارد؛ مانند: عدالت‌خواهی، پرسشگری، تعالی‌جویی، علم‌گرایی و زیبایی‌دوستی. انسان‌ها در طول تاریخ و در هر منطقه جغرافیایی و با هر جنسیت و نژاد، این ویژگی‌های مشترک را دارا بوده‌اند و هویت انسانی به این ویژگی‌ها وابسته است.

ب) نیازهای متغیر: این نیازها در انسان‌های مختلف، متناسب با جنسیت، قومیت، شرایط سنی، زمان و مکان، متفاوت است؛ هرچند نیازهای متغیر هم از اصول ثابت، تبعیت می‌کنند، لیکن متناسب با شرایط، و در هر فرد یا گروه، تجلی خاص خود را دارد؛ مانند مدل لباس و پوشش، نوع غذا و ابزارهای غذا خوردن و روش ساخت‌وساز منزل مسکونی.

هم‌چنان که نیازهای انسان، ثابت و متغیرند و عناصر ثابت و متغیر دارند، هویت فرهنگی فرد و جامعه نیز از عناصر ثابت و متغیر تشکیل شده است. این امر، از جمله پیچیدگی‌های فرهنگ است که دو صفت یا دو ویژگی به ظاهر متناقض («ثبات» و «تغییر») را در خود جای داده است.

از یک سو، فرهنگ، «ثابت» به نظر می‌رسد، زیرا موارث فرهنگی در یک دوره طولانی و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و فرهنگ «گذشته» در زمان «حال» برای نسل «آینده» تداوم می‌یابد و اگر تغییری هم در آن صورت پذیرد، آرام و کند است و به سادگی قابل مشاهده و درک نیست. باورها و ارزش‌های اجتماعی در این گروه قرار دارند.

در فرهنگ ما ایرانیان، زبان و ادبیات فارسی طی صدها سال تداوم یافته و فقط با تغییرات جزئی مواجه بوده است.

اما از سوی دیگر، فرهنگ، «متغیر» است و در پاسخ به نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان و متناسب با دگرگونی شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی به وجود می‌آید؛ مثلاً نحوه طراحی و دوخت لباس و سبک معماری در دوره قاجار، با دوره صفویه و با زمان حاضر، غالباً با هم متفاوت‌اند. این نوع تغییرات در لایه‌های بیرونی و سطحی فرهنگ اتفاق افتاده و برای همگان، قابل مشاهده است.

هر جهان فرهنگی نیز، متناسب با اوضاع اقلیمی و اجتماعی خود، در برابر تحولات محیط، واکنش نشان می‌دهد و در چارچوب مبانی و ارزش‌های خویش، به گونه‌ای عمل می‌کند که امکان بقا و ادامه حیات هویت فرهنگی خود را فراهم سازد.

تجزیه و تحلیل (صفحه ۳۷ کتاب درسی)

موضوع زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و درباره آن در کلاس گفتگو کنید.

آیا از «روش زندگی» گذشتگان و یا نیاکان خود اطلاعی دارید؟ پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های شما چگونه زندگی می‌کردند؟ مراسم ازدواج آن‌ها چگونه برگزار می‌شد؟ آیا این مراسم، امروز هم، همان‌گونه برگزار می‌شود؟ چه عناصر فرهنگی در آن‌ها، «ثابت» مانده است و کدامیک «تغییر» کرده است؟

چیستی دگرگونی‌های فرهنگی

«چه غذایی را بیش‌تر دوست دارید؟»

هر یک از شما دانش‌آموزان، این سؤال را، از سه گروه سنی زیر بپرسید و پاسخ‌ها را یادداشت کنید:

الف) پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها؛

ب) پدر و مادر خودتان؛

پ) برادران و خواهران کوچک‌تر، یا کودکان ۶-۷ ساله.

آیا پاسخ‌ها یک‌سان است؟ آیا هر سه گروه، که نماینده سه نسل هستند، یک نوع غذا را دوست دارند؟

همان‌طور که می‌دانید و پاسخ‌ها نشان می‌دهد، تا حدودی «ذائقه غذایی» این سه نسل تغییر کرده و با هم متفاوت است. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، بیش‌تر غذاهای سنتی را دوست دارند و از خوردن آن‌ها لذت می‌برند، در حالی‌که برخی فرزندان کوچک خانواده، به غذاهای آماده و فست‌فود، علاقه بیش‌تری نشان می‌دهند. علت چیست؟ چرا این تغییر «ذائقه غذایی» به وجود آمده است؟

آیا با تغییر نسل‌ها، ذائقه فرهنگی» جامعه هم تغییر می‌کند؟ آیا «علاقه‌مندی‌ها و دوست‌داشتنی‌های مردم» در طول زمان دگرگون می‌شود؟ باید‌ها و نباید‌های زندگی آن‌ها چگونه؟

ما در عصر تحولات گسترده و شگرف زندگی می‌کنیم. این تغییرات، تمام تاروپود جهان مادی ما را دربر گرفته است. نمود تغییرات و تحولات، در ساخته‌های بشری و فناوری‌ها به خوبی مشهود است و با سرعت و گستردگی فراوان در حال انجام است. هر روز شاهد تغییر و تحول در مدل رایانه‌ها، تلفن‌های همراه، ماشین‌های سواری، نحوه ساخت‌وساز و معماری خانه‌ها و شهرها، روش درمان بیماری‌ها و... هستیم. ما این تغییرات محسوس و مشهود را به‌خوبی درک می‌کنیم و همپای این تغییرات، دگرگونی‌هایی را در زندگی فردی و جمعی خویش ایجاد می‌کنیم.

جهان‌های اجتماعی و جهان‌های فرهنگی نیز از قاعده «تغییر و تحول» پیروی می‌کنند و در عین وفاداری به ارزش‌های بنیادی و جنبه‌های ثابت خود، در حال حرکت و دگرگونی‌اند. تمام جوامع، چه به صورت آرام و نامحسوس و چه به صورت ناگهانی و محسوس، تغییرات را تجربه می‌کنند. در واقع، حیات فردی و اجتماعی آدمی، دستخوش مجموعه‌ای از دگرگونی‌هاست که پیامدهای مثبت و منفی فراوانی به همراه دارد. این دگرگونی‌های فرهنگی، اجتناب‌ناپذیرند و به‌ویژه در عصر حاضر به‌صورت گسترده و با سرعت زیاد، جریان دارند. درک تغییرات و تحولات فرهنگی و تشخیص دگرگونی‌های مثبت و مفید، از تحولات منفی و آسیب‌زا، نیازمند تیزبینی و دقت نظر فراوان است و با تأمل در پدیده‌های فرهنگی حاصل می‌شود. انسان‌هایی که توانایی درک به موقع و زود هنگام تحولات را دارند، می‌توانند آن‌ها را مدیریت کنند و برای تحقق اهداف خویش از آن‌ها بهره بگیرند. در مقابل، افرادی که توانایی دیدن و همپایی هوشمندانه و به‌موقع این تغییرات را ندارند، معمولاً در زندگی روزمره با مشکل روبه‌رو شده و دچار «تجرب» و «عقب‌ماندگی» می‌شوند.

تفاوت «تغییر فرهنگی» با «تحول فرهنگی» چیست؟

قبلاً آموختید که جهان فرهنگی را می‌توان به فرهنگ محسوس و فرهنگ غیرمحسوس و ناملموس تقسیم کرد. همچنین آموختید که عناصر و لایه‌های فرهنگ، به چهار سطح: عقاید و باورها، ارزش‌ها، هنجارها و الگوها و نمادها تقسیم می‌شوند. دو سطح عقاید و ارزش‌ها، لایه‌های زیرین و بنیادین فرهنگ را شکل می‌دهند و هنجارها و نمادها، لایه‌های سطحی و بالای فرهنگ‌اند.

دگرگونی در لایه‌های سطحی با عنوان «تغییر فرهنگی» و دگرگونی در لایه‌های بنیادین با عنوان «تحول فرهنگی» نامیده می‌شود.



«تغییرات فرهنگی» شامل پدیده‌های مادی و ملموس و عناصر فرعی فرهنگ است که در کوتاه‌مدت اتفاق افتاده و هر فرد می‌تواند شاهد آن‌ها باشد.

«تحولات فرهنگی»، دگرگونی در ریشه‌ها و ارزش‌های بنیادی است که در یک دوره زمانی طولانی، و شاید در فاصله چند نسل، در یک جامعه اتفاق می‌افتد، و آثار و پیامدهای پایدار و ماندگار بر جای می‌گذارد. با نگاه نظام‌مند، تغییر هر جزء از فرهنگ، در کوتاه‌مدت یا درازمدت، می‌تواند تمام عناصر سیستم را تغییر دهد.

«تحولات فرهنگی»، علاوه بر دگرگونی در باورهای اساسی، نمادها و هنجارها را نیز تغییر داده، و می‌تواند هویت جهان اجتماعی و جهان فرهنگی را دگرگون سازد. ممکن است هر «تغییر فرهنگی»، باورها و ریشه‌های هویتی جامعه را تغییر ندهد، اما هر «تحول فرهنگی»، الگوها، هنجارها و نمادها را دگرگون می‌کند.

تجزیه و تحلیل (صفحه ۳۹ کتاب درسی)

«مسئله» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و درباره آن در کلاس گفتگو کنید.